



## تفکرات اقتصادی و توسعه صنعتی ژاپن، خلاف قاعده‌ها

سخنرانی علمی " تفکرات اقتصادی و توسعه صنعتی ژاپن؛ خلاف قاعده‌ها" با حضور اندیشمندان و صاحب نظران این حوزه و به همت موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، در ابتدا دکتر رضوی ریاست موسسه با ارائه مقدمه‌ای درباره رویکرد ژاپن به توسعه صنعتی، به تحلیل موفقیت ژاپنی‌ها پرداخت و از اینکه شرایطی فراهم آمده که در موسسه، عوامل مرتبط با این موفقیت از دیدگاه‌های مختلف تبیین شود، استقبال کرد.

در ادامه دکتر نقی‌زاده، مدیر گروه مطالعات ژاپن دانشکده مطالعات جهانی دانشگاه تهران، در ابتدا گفت: دست کم ۱۲۰ سال است که پرسش چرا ژاپن؟ پیش‌روی ما قرار دارد. پیروزی این کشور شرقی در سال ۱۹۰۵، همزمان با انقلاب مشروطه، بر روسیه یکی از دلایل توجه ما به ژاپن بوده است. در کنار آن تحولات فناورانه این کشور نیز دلیل دیگر بوده است.

استاد دانشگاه میچی چی کوی ژاپن، در بیان علاقه‌مندی تاریخی جامعه ایران به ژاپن به ترجمه‌ی قانون اساسی این کشور توسط فتحعلی آخوندزاده اشاره کرد و افزود: تجربه‌ی ژاپن ان قدر مهم است که آن را نه به یک استثناء بلکه قاعده‌ای در مباحث توسعه‌ای درمی‌آورد.

در ژاپن نیروی کار حکم ارزشمندترین دارایی بنگاه را دارد که باید حرمت آن حفظ شود. یعنی از نظر ژاپنی‌ها، نیروی کار ابزار تولید برونزا نیست که بنگاه هر وقت بخواهد استفاده و هر وقت نخواهد، استفاده نکند. دارایی درونی بنگاه است که در چارچوب قرار داد مادام‌العمر ارزش آن حفظ می‌شود.

وی در توضیح سایر علل موفقیت ژاپن، بر ایدئولوژی پنهان اشاره کرد و گفت: توسعه‌خواهی که در مواردی به جنگ انجامیده، عامل رشد است، و رشد از طریق توجه به منافع جمعی و سازمانی، اجزای سه‌گانه این ایدئولوژی است. تاریخ ژاپن به مراتب خونبار است. از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۴۵ پی در پی با دولتهای مختلف درگیر جنگ بوده است، با وجود این، به جنگ به عنوان یک فرصت و عامل رشد نگاه کرده است.

مدیریت اقتصاد ملی در جهت رفع آلام و دردهای مردم ویژگی دیگر این تجربه است. در ابعاد دیگر لازم است اشاره شود که بنگاه‌های ژاپنی به جای حداکثرسازی سود به حداکثر سازی ابعاد بازار ولو با سود اندک توجه دارند. همچنین در ژاپن شعاری وجود دارد مبنی بر اعتقاد به سازکار بازار و ایمان به دولت. این یعنی دولت تکمیل کننده بازار است و نه جانشین آن و برعکس. نکته مهم در تجربه ژاپن این است که همه رشد این کشور را صرفاً با



استناد به عوامل تولید کار و سرمایه نمی‌توان توضیح داد. در بررسی‌ها نشان داده شده که ۴۰ درصد رشد ناشی از عوامل پسمان (عواملی چون نظم و انضباط اجتماعی و عوامل فرهنگی) است. نقی‌زاده دو عامل را در فروپاشی فنودالیسم در اواخر قرن ۱۹ و گذار ژاپن به دوره صنعتی موثر دانست: یکی فشار خارجی و دیگری تحولات نهادی. فشار خارجی که با ورود کشتی آمریکایی به آبهای ژاپن بعد از ۲۵۰ سال انزوای مطلق آغاز شد، موجب شد که ژاپنی‌ها با انقلاب صنعتی آشنا شوند ولی در برابر آن، انقلاب سخت‌کوشی را طرح کنند. بنابراین، سامورایی‌وار تلاش کردند تا صنعتی شوند. تحولات نهادی که با انقلاب میجی، همزمان با دوره ناصرالدین شاه، آغاز شد زمینه‌های نهادی پیشبرد فرآیند صنعتی شدن را فراهم کرد.

وی در پایان در مقام جمع‌بندی خلاف قاعده‌های ژاپن را به این صورت برشمرد: ۲۵۰ سال از جهان منزوی بود. در دوره میجی نهادهای تسریع‌کننده رشد را فراهم کرد. نفوذ مارکسیسم موجب شد که از رشد سرمایه‌داری لگام گسیخته جلوگیری شود. ژاپنی‌ها اعتقاد قوی به ضرورت پالایش در محل دارند؛ یعنی تنها مواد خام می‌تواند وارد و در داخل کشور تبدیل به کالاهای دیگر شده و صادر شود. در بنگاه‌ها اولویت با کارمند، سپس مشتری و در نهایت سهام‌دار است. در حالی که در آمریکا سهام‌داران در اولویت هستند. به همین دلیل سود سهام در ژاپن پایین است. بنگاه‌ها در ژاپن بانک‌محور هستند و نه سرمایه‌محور. بنگاه‌های خوشه‌ای (زایباتسوها و بعداکی رتسوها) بانک‌های خود را دارند.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی